

حسابداری و الگوهای حاکم بر آن

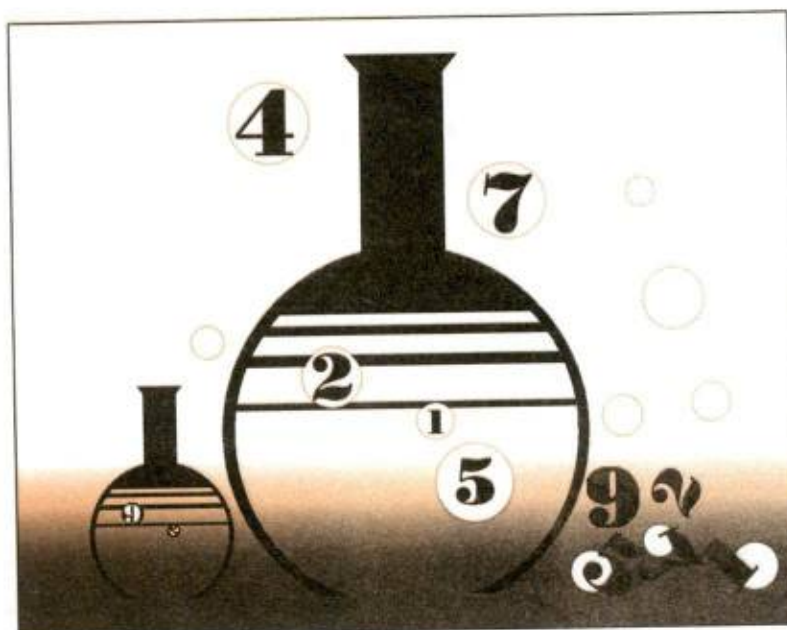
محمدرضا مهدی‌فر
کارشناس ارشد حسابداری

مقدمه

حسابداری را می‌توان از دیدگاه فلسفه علم، مورد توجه قرار داد. نخستین سوالی که از این زوایه طرح می‌شود، امکان تلقی حسابداری به عنوان علم است. از آنجا که ارائه تعریفی یگانه از علم و دامنه شمول آن به شکل

روش‌هایی است که پایه تحقیقات می‌باشند و منتج به نظریات علمی معتبر می‌شوند.

روش‌شناسی مشخص می‌کند که در اصل می‌توان برای یک فرض، یک ارزش واقعی قائل شد، یعنی آیا می‌توان آن را رد یا اثبات کرد. کانت^۳



مورد توافق همه فلاسفه و صاحب‌نظران باشد میسر نیست این سوال اصلی قاعدتاً^۱ نمی‌تواند پاسخی قطعی برای پرسش‌کننده در پی داشته باشد. نحوه نگرش و مکتب فکری حاکم بر پرسش شونده و تعریف او از علم، جایگاه حسابداری را در داخل یا خارج از دایره علم روشن می‌کند. دورکیم^۱ معتقد است شرایط وجودی یک علم با موضوع و روش متناسب با موضوع مهیا می‌شود. اما به عقیده بلاک^۲ مشخصه بارز علم، روش تدوین و آزمون فرضیات آن است نه موضوع مربوط. وجه مشترک تعاریف پیشگفته، تاکید بر

اهمیت این موضوع را به شکل دیگری بیان می‌کند، به عقیده او تمایز علوم از یکدیگر به کمک روش‌های مطالعه و تحقیق آنها میسر است.

در میان مکاتب فکری متعدد، می‌توان از اثبات‌گرایی^۴ و نسبی‌گرایی^۵ نام برد که دیدگاه‌های متفاوتی به موضوع فلسفه علم و روش‌های تحقیق در آن دارند. در این مقاله، سعی نگارنده بر آن است تا با مرور اجمالی بر این دو مکتب و جایگاه حسابداری از منظر آنها، برای پاسخگویی به سوال بیان شده تلاش کند و سپس به برخی از الگوهای حاکم بر

حسابداری براساس الگوهای علمی کوهن بیردازد که برگرفته از دیدگاه نسبی گرایی به موضوع علم می باشد.

اثبات گرایی

این مکتب در اوایل قرن نوزدهم به وسیله آگوست کانت پایه ریزی شد. از دیدگاه اثبات گران^۶ فقط موضوعات تکرار شونده و تجربه پذیر، موضوعاتی علمی محسوب می شوند. بر مبنای این تفکر، بشر جز به دانش تجربی، راه به دانش دیگری ندارد و مشاهده بر هر چیز مقدم است. اثبات گران (اثباتیون) عقل نظری را در مقابل عقل عملی قرار دادند به اعتقاد آنها، عقل نظری از درک حقیقت اشیاء عاجز و حس و تجربه تنها وسیله تحصیل علم است و اموری که امکان تجربه آنها توسط همگان وجود ندارد از قلمرو کاوش های علمی بیرون می ماند. از آنجا که رویکرد استقرائی در تحقیقات بر مشاهده و تصمیم براساس مشاهدات قرار داشت به عنوان یک روش تحقیق مورد توجه اثباتیون قرار گرفت.

چنین دیدگاهی به علم، محدود به علم تجربی است و با این تعریف، نمی توان بر موضوعات انسانی و از جمله حسابداری نام علم نهاد. به عقیده جنسن^۷ به جز یک یا دو استثناء، تحقیقات حسابداری غیر علمی است زیرا در این تحقیقات، تاکید زیادی روی، اخلاقیات و تعاریف می شود. مشکلی که در تحقیقات اثباتی، دامنگیر حسابداری می شود برخلاف پژوهش های آزمایشگاهی علوم تجربی، عدم تکرار پذیری آنها در شرایط کاملاً یکسان است. مثلاً در تغییرات قیمت سهام اطلاعات حسابداری علاوه بر سود هر سهم عوامل متعدد دیگری از جمله شرایط اقتصادی، سیاسی محیط بازار سرمایه نیز موثر می باشد و مجموعه این عوامل نیز همواره در حال تغییر است و انتظار تکرار مجموعه این شرایط با وضعیت کاملاً مشابه در آینده متصور نیست. مزید بر این، حسابداری تا حد زیادی تابع شرایط فرهنگی و پاسخ گویی نیازهای فرهنگی محیط خود می باشد.

نسبی گرایی

کوهن^۸ در کتاب معروف خود «ساختار انقلاب های علمی» دیدگاه جدیدی را نسبت به موضوع فلسفه علم

مطرح کرد. نظریات کوهن بر مبنای واژه الگو^{۱۰} استوار است. الگو مجموعه عقاید بنیادی و ارزش هایی است که اعضای یک جامعه علمی به آن اعتقاد دارند. الگو به تعریف موضوع، بیان سوالات اساسی که باید پاسخ داده شود و روش های دست یابی به پاسخ این سوالات می پردازد. در این چهارچوب فکری، این الگوها هستند که موجب تمایز میان علوم می شوند. براساس نظریات کوهن، در هر علمی الگوی مشخصی حاکم است اما این تسلط همیشگی نبوده و به تدریج مشکلات و سوالاتی مطرح می شود که الگوی حاکم قادر به پاسخ گویی نیست. چنین شرایطی زمینه ساز وضعیت بحرانی است و سرانجام شرایط بحران منجر به وقوع انقلاب علمی، فروریختن الگوی رایج و تسلط الگوی جدید می گردد. پشتوانه چنین الگویی، گروه جدیدی از دانشمندان معتقد به نظریه جدید هستند. به بیان دیگر، برتری یک الگو نسبت به الگوهای دیگر، پیش از آنکه پشتوانه عقلانی و نظری محض داشته باشد ناشی از باورها و جانبداری های دانشمندان معتقد به الگوی جدید است به طوری که کوهن معتقد است در انتخاب الگو مانند هر انقلاب سیاسی، هیچ استاندارد بالایی از موافقت جامعه مورد نظر وجود ندارد اطلاق نسبی گرایی برای این رویکرد نیز متأثر از همین موضوع است.

وضعیت موجود حسابداری و الگوهای حاکم بر آن به مقدار زیادی با فلسفه علمی کوهن مطابقت دارد. با این نگرش، حسابداری را می توان یک موضوع علمی با چندین الگو معرفی کرد. بیانیه «تئوری حسابداری و پذیرش تئوری»^{۱۱} که در سال ۱۹۷۷ توسط انجمن حسابداری آمریکا^{۱۲} منتشر شده در حقیقت برگرفته از فلسفه کوهن و موبد وجود الگوهای مختلف در حسابداری بود.

اجزای الگوی علمی

پیش از بررسی تفصیلی الگوها، جهت شفاف تر شدن موضوع، نیاز به تعریف و طبقه بندی اجزای تشکیل دهنده یک الگو احساس می شود. به عقیده ریتزر^{۱۳} هر الگوی علمی مشتمل بر چهار جزء است:

۱- نمونه^{۱۴}: شامل تحقیقات و فعالیت هایست که در

محدوده الگوی مورد نظر توسط پژوهشگران صورت ۲۷ می پذیرد.

۲- موضوع^{۱۵}: بیانگر محتوا و مضمون اصلی الگو است، از طریق موضوع می‌توان با چهار چوب فکری و نظری یک الگو آشنا شد.

۳- تئوری‌ها: شامل تئوری‌های ارائه شده در هریک از الگوهاست که هدف از آنها تبیین رابطه بین اجزا در قالب الگوی مورد بحث می‌باشد.

۴- روش‌ها^{۱۶}: اشاره به شیوه‌های استدلال، تحقیق و مطالعه در الگوی مورد نظر دارد.

الگوهای حسابداری

الگوی انسان شناختی - استقرا^{۱۷}

۱- نمونه: مثال‌هایی که در چهارچوب این الگو می‌توان به آنها اشاره کرد عمدتاً "تحقیقاتی هستند که به وسیله لیتلتون^{۱۸}، هیتفیلد^{۱۹}، ایجری^{۲۰} و گیلمن^{۲۱} صورت گرفته است. از دیدگاه آنها، شیوه‌های رایج حسابداری از اصالت برخوردارند و اساس مطالعاتشان بر مشاهده نحوه عمل حسابداری در واحدهای اقتصادی و استنتاج و تعمیم براساس مشاهدات استوار است. این تحقیقات به دور از قضاوت‌های ارزشی به توصیف وضعیت موجود می‌پردازند. لیتلتون اعتقاد زیادی به روش‌های تخصیص هزینه^{۲۲} داشت، به عقیده او، ساختار تئوری حسابداری بر اساس استدلال استقرایی بنا شده است و ریشه در تجربه و عمل دارد به نظر هیتفیلد، تئوری‌ها به طور استقرایی از عمل و تجربه منتج می‌شوند نه از مفروضات نظری و انتزاعی. ایجری معتقد است حسابداری بر مبنای بهای تمام شده تاریخی به نحو شایسته‌ای می‌تواند وظیفه پاسخگویی به استفاده‌کنندگان را ایفا کند. در تحقیقات واتز و زیمرمن^{۲۳} از مشاهده رویه‌های موجود نتیجه‌گیری شد که مدیریت گرایش به هموار سازی سود^{۲۴} دارد بنابراین، مدیریت با کمک قواعد حسابداری می‌تواند سود مورد گزارش و نرخ رشد سود را هموار کند.

نقطه اشتراک تمام تحقیقات پیشگفته، دفاع از موضوعات رایج و سنتی حسابداری همانند بهای تمام شده تاریخی، تخصیص و هم چنین تاکید بر نگرش توصیفی - استقرایی در تئوری پردازی‌ها است.

۲- موضوع: هدف الگوی انسان شناختی - استقرا، ایجاد مجموعه‌ای از روابط است که عملیات موجود و اجرایی

حسابداری را مشاهده کند و براساس آن امکان پیش‌بینی عملیات مشاهده نشده را فراهم آورد. در جهت تحقیق این هدف باید دلایل انتخاب مبانی و روش‌های مختلف حسابداری، توسط مدیریت مورد توجه قرار گیرد بنابراین موضوع اصلی این الگو به شرح زیر خلاصه می‌شود:

الف - شیوه‌ها و روش‌های تجاری و کاربردی.

ب - نگرش و تمایل مدیریت به این شیوه‌ها.

۳- تئوری‌ها: تئوری‌هایی که در قالب این الگو می‌گنجند عبارتند از:

الف - ارزش اقتصادی اطلاعات

ب - تئوری‌های نمایندگی

ج - هموار سازی و اعمال مدیریت بر سود

د - تئوری اثباتی حسابداری

به تبعیت از موضوع این الگو، تئوری‌های آن نیز یا به دنبال توضیح و توجیه روش‌های موجود حسابداری هستند و یا به گرایش مدیریت در انتخاب روش‌های خاص می‌پردازند. تئوری نمایندگی شاهد مناسبی برای موضوع است، این تئوری روش‌های انتخابی مدیریت از میان روش‌های جاری حسابداری و تاثیر این انتخاب را در قالب ارقام و اعداد حسابداری بر قراردادهای نمایندگی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۴- روش‌ها: این الگو از روش‌های مبتنی بر مشاهدات به منظور توجیه استفاده از روش‌های موجود حسابداری استفاده می‌کند، روش‌های به کار گرفته شده در تحقیقات تئوری اثباتی از این نوع هستند. هم چنین در مواردی که هدف توضیح رفتار مدیریت در انتخاب رویه‌هاست عمدتاً از روش‌های تجربی استفاده می‌شود، روش‌های به کار گرفته شده در تحقیقات مدیریت سود و هموار سازی سود برای قاعده استوار است.

الگوی سود حقیقی - قیاس^{۲۵}

۱- نمونه: تحقیقات انجام شده توسط مونیتز^{۲۶}، مک نیل^{۲۷}، ادواردز و بیل^{۲۸} و اسپراووز^{۲۹} نمونه‌هایی از الگوی سود حقیقی - قیاسی است، این الگو را در محتوا و روش می‌توان نقطه مقابل الگوی انسان شناختی - استقرا معرفی کرد. شیوه‌های رایج حسابداری از جهات بسیاری مورد انتقاد این دیدگاه قرار گرفته و سود سنتی حسابداری را به دلیل اتکا به

الگوی سودمندی در تصمیم‌گیری^{۳۵}

۱- نمونه: تحقیقات انجام شده بوسیله چامبزر^{۳۶}، استرلینگ^{۳۷}، بی وری^{۳۸} و کنلی^{۳۹} نمونه‌هایی از این الگو هستند. سودمندی در تصمیم‌گیری مورد توجه بسیاری از محققان بوده و حتی در گزارش تروبلاد^{۴۰} به‌عنوان هدف اصلی صورت‌های مالی معرفی شده است اما در تعیین ضابطه برای سودمندی در تصمیم‌گیری نظرات متفاوتی وجود دارد. به عقیده گروهی توان پیش‌بینی کنندگی، ضابطه اصلی برای سودمندی در تصمیم‌گیری محسوب می‌شود، بیور، کنلی و ووس معتقدند اگر یک رویداد از توان پیش‌بینی بیشتری برخوردار باشد آن رویداد از وضعیت بهتری برخوردار است. اما به عقیده استرلینگ، سودمندی در تصمیم‌گیری هنگامی حاصل می‌شود که اطلاعات، ارتباط مستقیمی با ویژگی مربوط بودن داشته باشد و طراحی سیستم حسابداری هنگامی مناسب است که اطلاعات مربوط، جهت تصمیم‌گیری را کند.

۲- موضوع: از دیدگاه کسانی که از الگوی سودمندی در تصمیم‌گیری پیروی می‌کنند موضوع اصلی سودمندی اطلاعات حسابداری برای مدل‌های تصمیم‌گیری است. در این الگو با توجه به ارتباط تنگاتنگ مفاهیم سودمندی اطلاعات و مربوط بودن اطلاعات و با توجه به مدل تصمیم‌گیری موردنظر، آن دسته از روش‌های حسابداری موضوعیت پیدا می‌کند که در چهار چوب مدل تصمیم‌گیری تأمین‌کننده مربوط‌ترین اطلاعات باشند.

۳- تئوری‌ها: تئوری‌های این الگو یا با الگوهای تصمیم‌گیری در حیطه بازرگانی سر و کار دارند و یا به دنبال تأثیرگذاری بر تصمیمات اقتصادی می‌باشند. تئوری‌های مربوط به مقدار اقتصادی سفارش، روش‌های ارزیابی پروژه، برنامه ریزی خطی، بودجه‌بندی سرمایه‌ای، تصمیمات مربوط به اجاره یا خرید دارایی‌ها همگی مربوط به تصمیم‌گیری در حیطه بازرگانی است اما تئوری‌هایی که اطلاعات حسابداری را با رویدادهای اقتصادی مرتبط می‌سازند بر موضوع تداوم فعالیت واحدهای اقتصادی تأکید دارند و اگر چه مواردی مانند ادغام و ورشکستگی موضوعاتی از این قبیل هستند اما تاکنون تئوری در این مورد مطرح نشده است.

روش‌ها: روش‌های این الگو به تبعیت از روش تحقیق

مفاهیم بهای تمام شده و تخصیص، معرف واقعیت‌های اقتصادی نمی‌داند. در مقابل، این الگو گرایش زیادی به استفاده از ارزش‌های جاری در حسابداری نشان می‌دهد و اطلاعات آن را برای استفاده‌کنندگان مفیدتر از سیستم حسابداری سنتی مبتنی بر بهای تمام شده می‌داند. مثلاً^{۴۱} مونیتز در اثر خود به نام «حسابداری، تحلیلی بر مسائل آن» به جای پیروی از سیستم بهای تمام شده تاریخی، سود و سایر اقلام صورت‌های مالی را کلاً بر مبنای ارزش فعلی اندازه‌گیری کرد. در سال ۱۹۶۱ اثر این محقق تحت عنوان "تحقیقی بر مفروضات اساسی اصول حسابداری" به دلیل گرایش زیاد به استفاده از ارزش‌های جاری مورد انتقاد هیئت استانداردهای حسابداری آمریکا قرار گرفت.

۲- موضوع: موضوع اصلی عبارتست از:

الف - پایه ریزی تئوری حسابداری بر مبنای استدلال منطقی و دستوری

ب - ارائه مفهومی از سود با استفاده از ارزش‌های جاری ادعای مک‌نیل تا حدی معرف موضوع این الگو است. وی با تأکید بر استفاده از ارزش‌های جاری عنوان کرد که در حسابداری تنها یک تعریف صحیح از سود وجود دارد. وی سود را افزایش در خالص ثروت و زیان را کاهش در خالص ثروت تعریف می‌کند. به عقیده او، این تعریف از سود اقتصادی است و آشکارا قابل درک و از لحاظ ریاضی قابل محاسبه است.

۳- تئوری‌ها: تئوری‌های ارائه شده عبارتند از:

الف - حسابداری مبتنی بر قیمت خرید عمومی^{۴۲}

ب - حسابداری مبتنی بر بهای تمام شده جایگزینی^{۴۳}

ج - حسابداری مبتنی بر ارزش واگذاری^{۴۴}

د - حسابداری مبتنی بر خالص ارزش بازیافتی^{۴۵}

ه - حسابداری مبتنی بر ارزش فعلی^{۴۶}

تمام این تئوری‌ها به نوعی دلالت بر رجحان ارزش‌های جاری نسبت به قیمت تمام شده تاریخی دارند.

۴- روش‌ها: محققان پیرو این الگو در درجه نخست، اهداف و فرضیات بنیادی را در ساختار تئوری‌ها می‌گنجانند و سپس روش‌های منطقی مناسب برای رسیدن به اهداف کلی ارائه می‌دهند، این الگو به شدت بر فعالیت ذهنی محقق استوار است و منتج به پیدایش تئوری‌های دستوری - قیاسی می‌گردد.

حسابداری و الگوهای حاکم بر آن

استقرائسی متکی بر مشاهده مدل‌های تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و ارائه تئوری بر مبنای این مشاهدات است.

الگوی تصمیم‌گیری مفید - تصمیم‌گیرنده - رفتار کل بازار^{۴۱}

۱- نمونه: تحقیقات انجام شده توسط گونیدز^{۴۲} مثال مناسبی برای این مورد است. پیروان این الگو در تحقیقات خود به جای تکیه بر مدل تصمیم‌گیری اشخاص به مدل تصمیم‌گیری بازار توجه کرده‌اند. اشخاص با توجه به موقعیت و منافعی که در قبال واحد اقتصادی دارند دارای مدل‌های تصمیم‌گیری متفاوت از یکدیگرند و هر کدام واکنش متفاوت نسبت به ارقام حسابداری داشته و انتظار گزینش و ارائه اطلاعات متناسب با مدل تصمیم‌گیری خود را دارند اما در مقابل می‌توان به جای توجه به الگوهای تصمیم‌گیری بسیار متنوع تک تک افراد، مدل تصمیم‌گیری کل بازار را به عنوان یک واحد، مورد توجه قرار داد. به عقیده گونیدز، برای ارزیابی محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری باید به میزان واکنش بازار در برابر این اطلاعات توجه کرد. طرفداران این الگو تاثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام را شاهی بر ادعای خود می‌دانند.

۲- موضوع: موضوع اصلی این الگو تاثیر اطلاعات حسابداری بر بازار است. بازار معیار مناسبی برای محک میزان سودمندی اطلاعات می‌باشد. برخلاف الگوی سودمندی در تصمیم‌گیری که در آن توانایی پیش‌بینی و مربوط بودن اطلاعات در درجه نخست اهمیت قرار دارد، این الگو به رابطه مستقیم میان سودمندی اطلاعات حسابداری و واکنش بازار نسبت به این اطلاعات معتقد است.

۳- تئوری‌ها: ارتباط بین رفتار بازار و اطلاعات حسابداری عمدتاً در قالب تئوری بازار سرمایه کاراً^{۴۳} مطرح می‌شود. از دیدگاه این تئوری، بازار کاراً دارای مشخصه‌هایی می‌باشد. در یک چنین بازاری، قیمت سهام بیانگر ارزش واقعی آن سهم و معرف تمام اطلاعات است، هیچ‌گونه محدودیتی برای ورود و خروج به این بازار وجود ندارد و معامله‌گران قدرت تاثیرگذاری و نفوذ خود را بر بازار از دست می‌دهند. هر اندازه این ویژگی‌ها در سطح بالاتری تحقق یابد بازار از کارایی بیشتری برخوردار خواهد شد.

اولین نرم افزار
هزینه یابی فعالیتسیستم
حسابداری صنعتی

- برنامه ریزی
- کنترل
- محاسبات قیمت
- تمام شده

طراحی مبتنی بر تحلیل تنه‌ای زمان موقت سیستمها



نرم افزاری سی.اس.دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۸۲ ۴۸ ۱۲
دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۸۳ ۶۹ ۹۸
۸۸۸۴ ۶۵ ۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

۴- روش‌ها: روش‌های استفاده شده در این الگو عبارتند از:

۱- الگوی بازار

۲- الگوی مبتنی بر محاسبه بتا

۳- روش شناسی تحقیق درباره رویداد

۴- الگوی تعیین ارزش او هلسان

۵- الگوی تعدیل قیمت‌ها در ترازنامه

۶- الگوی مبتنی بر محتوای اطلاعات موجود در سود

۷- الگوی مبتنی بر روابط بین سود و بازده

الگوی تصمیم‌گیری مفید - تصمیم‌گیرنده - فرد استفاده‌کننده^{۲۲}

۱- نمونه: تحقیقات انجام شده به وسیله برانز^{۴۵}، کینارد^{۴۶} و ادوارد^{۴۷} نمونه‌هایی از گرایش به این الگو است. در تحقیقات برانز، این فرضیه مطرح شد که می‌توان اطلاعات مربوط حسابداری، درک تصمیم‌گیرندگان از حسابداری و هم چنین سایر اطلاعات در دسترس را با تاثیر اطلاعات بر تصمیمات متخذه مرتبط کرد. این فرضیه در مدلی توسعه یافته مطرح گردید که برخی از عوامل و چگونگی تاثیر اطلاعات حسابداری بر تصمیمات اشخاص را مشخص می‌کنند. ادوارد در تحقیقات خود با مطالعه بر روی تعدادی از دانشجویان نتیجه گرفت که صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای بهای تمام شده تاریخی و صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای ارزش‌های جایگزینی، تفاوت معنی‌داری بر روی مدل تصمیم‌گیری دانشجویان برای ارزیابی نرخ بازده ندارد.

۲- موضوع: موضوع اصلی، تاثیر اطلاعات حسابداری بر مدل تصمیم‌گیری هر کدام از استفاده‌کنندگان و پیش‌بینی کردن رفتار افراد در تمام موضوعات مربوط به حسابداری است. در این دیدگاه سودمندی اطلاعات تابع مدل تصمیم‌گیری افراد می‌باشد. هر فرد با توجه به ویژگی‌های روانشناختی خاص خود و نیازمندی‌های اطلاعاتی، تعریف متمایزی از اطلاعات سودمند دارد. این الگو برخلاف الگوی مدل تصمیم‌گیری کل بازار با طیف وسیع و متنوعی از مدل‌های تصمیم‌گیری روبرو می‌باشد، مدل‌های تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان درون سازمانی، سرمایه‌گذاران و بستانکاران، نهادهای قانون‌گذار و تاییدکنندگان اطلاعات در این چهارچوب می‌گنجد.

۶۸

۳- تئوری‌ها: به‌رغم جوان بودن این الگو، تئوری‌های

متعددی در ارتباط با مدل تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان ارائه شده است. از مهم‌ترین این تئوری‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نسبیت گرایي فرهنگی در حسابداری: این تئوری، فرایند تصمیم‌گیری افراد را متأثر از فرهنگ آنها می‌داند و به این ترتیب حسابداری را موظف به پاسخگویی به نیازهای فرهنگی دانسته است.

تئوری نسبیت گرایي زبان شناختی در حسابداری: این تئوری پس از ارائه موارد تشابه میان قواعد زبان و حسابداری، به بیان تاثیر زبان حسابداری بر مدل تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان می‌پردازد.

تئوری تثبیت وظایف: براساس این تئوری، مدل‌های تصمیم‌گیری متأثر از داده‌های حسابداری، در صورت تغییر فرایند حسابداری، توانایی تغییر در فرایند تصمیم‌گیری و هماهنگی با مفاهیم جدید را ندارند.

تئوری نسبیت گرایي شناختی: در این تئوری، برای تصمیم‌گیری مسیر مشخصی ترسیم می‌شود که از مشاهده آغاز و به تصمیم‌گیری ختم می‌شود و اتخاذ تصمیم براساس اطلاعات حسابداری مستلزم طی این مسیر است.

تئوری پردازش اطلاعات انسانی: این تئوری به موضوعاتی از قبیل تاثیر مجموعه اطلاعات برفرایند تصمیم‌گیری^{۴۸}، نقش یک موضوع در تحت تاثیر قرار دادن رویدادهای آتی^{۴۹} و سبک‌ها مختلف پردازش اطلاعات توسط افراد^{۵۰} می‌پردازد.

۴- روش‌ها: روش تحقیق در این الگو برگرفته از روش‌های مورد استفاده دانشمندان علوم رفتاری است. تهیه پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه و آزمون در این دیدگاه رواج دارد.

الگوی اقتصاد اطلاعات^{۵۱}

۱- نمونه: تحقیقات گراندا^{۵۲}، فلتهام^{۵۳} و دمسکی^{۵۴} عمدتاً در این الگو می‌گنجد. فلتهام عناصری را معرفی کرد که برای محاسبه بهره‌وری یک سیستم اطلاعاتی از دیدگاه تصمیم‌گیرنده ضروری به نظر می‌رسید، به عقیده او ارزش تغییر یک سیستم اطلاعاتی به سیستم اطلاعاتی دیگر معادل تفاوت در بازده مورد انتظار آن دو سیستم است. گراندا^{۵۵} الگوی اقتصاد اطلاعات را به عنوان مسیر تازه‌ای به سوی

سیستم پیشرفته دفترداری

دو زبانه (انگلیسی و فارسی)
چند ارزی

چند شرکت
چند شعبه

عملیات بانکی

ساخت گزارشات دلخواه

گزارشات مقایسه‌ای
دوره مشابه سنوات قبل

طراحی مبتنی بر تحلیل صحیح نیازمندی‌ها و قابلیت سیستمها



نرم افزاری سی.اس.دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۸۲ ۴۸ ۱۲
دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۸۳ ۶۹ ۹۸
۸۸۸۴ ۶۵ ۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

تدوین تئوری حسابداری معرفی می‌کند. او معتقد به ایجاد معیارهایی است که در چهارچوب آن بتوان سیستم های اطلاعاتی را با حداکثر بهره‌وری معرفی کرد. چنین سیستمی، هدف حداکثر رساندن سود استفاده‌کنندگان از اطلاعات را باتوجه به محدودیت‌های آنها دنبال می‌کند. محدودیت‌های موردنظر گرانددال شامل بهای تمام شده سیستم، قواعد تصمیم‌گیری موجود، وضعیت فناوری و امکان عملی دستیابی به اطلاعات است. دمسکی نیز الگویی از سیستم اطلاعاتی ارائه کرده است که ارزیابی اطلاعات را از بعد هزینه - منفعت مورد توجه قرار می‌دهد.

۲- موضوع: در این الگو اطلاعات ایجاد شده توسط حسابداری به‌عنوان یک کالا نگریسته می‌شود که ارزش و موقعیت آن تابع عرضه و تقاضای آن می‌باشد. بنابراین، تقاضاکنندگان این کالا با انتخاب اطلاعات حسابداری و یا یک روش حسابداری از میان سایر روش‌ها انتظار دارند سطح رفاه خود را ارتقا دهند.

۳- تئوری‌ها: محور اصلی تئوری‌هایی که در الگوی اقتصاد اطلاعات براساس آنها پایه‌ریزی شده، بر مبنای رفتار منطقی و عقلانی استفاده‌کنندگان از اطلاعات است. از مهم‌ترین تئوری‌ها در این خصوص می‌توان به تئوری گروه‌ها^{۵۵} اشاره کرد که ارتباط تنگاتنگی با تئوری تصمیم‌گیری آماری^{۵۶} و تئوری انتخاب اقتصادی^{۵۷} دارد.

۴- روش‌ها: روش‌های مورد استفاده، عمدتاً روش‌های استدلال تحلیلی مبتنی بر تئوری تصمیم‌گیری آماری و تئوری انتخاب اقتصاد می‌باشد و در انتخاب گزینه‌ها همواره هزینه اطلاعات مورد توجه است.

نتیجه‌گیری

تعیین ماهیت علمی یا غیر علمی برای حسابداری به نگرش و تعریف فلاسفه و صاحب‌نظران از مفهوم علم بستگی دارد. باتوجه به دیدگاه نسبی‌گرایی و تعریف کوهن از علم و الگوهای علمی، می‌توان حسابداری را به‌عنوان علمی با چندین الگو معرفی کرد. برخی از الگوهای حسابداری تأثیر بیشتری در شکل‌گیری رویه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیرنده حسابداری داشته‌اند اما الگوهای سنتی همواره از سوی الگوهای جدیدتر مورد تهدید قرار گرفته‌اند، شاید انتظار وجود یک الگوی مسلط در آینده نزدیک برای حسابداری

- 37- Sterling
- 38- Beaver
- 39- Kennelly
- 40- Trueblood
- 41- The Decision Usefulness - Decision Marker - Aggregate Market Behavior Paradigm
- 42- Gonedes
- 43- Capital Market Efficiency
- 44- The Decision Usefulness - Decision Marker - Individual user, Paradigm
- 45- Bruns
- 46- Kinard
- 47- Edward
- 48- Lenz Modle
- 49- Bayesian Approach
- 50- Congnitive Style
- 51- Information Economics paradigm
- 52- Grandall
- 53- Feltham
- 54- Demski
- 55- Theory of teams
- 56- Statistical Decision Theory
- 57- Economic Theory of Choice

منابع و مآخذ

- ۱- آلن رابن، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش.
- ۲- بزرگ‌اصل، موسی (۱۳۷۶)، فلسفه حسابداری، فصلنامه بررسی‌های حسابداری شماره‌های ۱۸ و ۱۹.
- ۳- بیدگلی، غلامرضا و زارعی، بتول، با اندیشمندان حسابداری جهان آشنا شویم، فصلنامه حسابرس شماره ۱۶.
- ۴- شباهنگ، رضا، تئوری حسابداری جلد دوم.
- ۵- کوهن، تامس، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه احمد آرام.
- 1- Beaver, kennelly And Voss Predictive Ability As Criterion For "The Evaluation of Accounting Data".
- 2- Gensen. Refelection on the state of Accounting Research and Regulation Accounting.
- 3- Riahi - Belkaoui Ahmed Accounting Theory.
- 4- R.J. Chambers Thesaurus an Accounting.
- 5- Sterling Robert "Decision - oriented Financial Accounting".

متصور نباشد اما رقابت میان الگوها و تقویت تدریجی برخی در مقابل ضعف و فروپاشی برخی دیگر، همواره در عرصه این علم نمایان است.

پانویس‌ها

- 1- Durkem
- 2- Blak
- 3- Cont
- 4- Positivism
- 5- Relativism
- 6- Positivists
- 7- Gensen
- 8- Kuhn
- 9- The Structure of Scientific Revolutions
- 10- Paradigm
- 11- Statement on Accounting Theory and Theory Acceptance
- 12- American Accounting Association(AAA)
- 13- Ritzer
- 14- exemplar
- 15- subject
- 16- Methods
- 17- Anthrpological-Inductive Paradigm
- 18- Littleton
- 19- Hatfield
- 20- Ijiri
- 21- Gilman
- 22- Cost Allocation Procedures
- 23- Watts And Zimmerman
- 24- Income Smoothing
- 25- True Income-Deductive Paradigm
- 26- Moonitz
- 27- MacNeal
- 28- Edward and Bell
- 29- Sprouse
- 30- Current Purchasing power Accounting
- 31- Replacement cost Accounting
- 32- Deprival Value Accounting
- 33- Net Realizable Value Accounting
- 34- Present Value Accounting
- 35- Decision Usefullness Approach
- 36- Chambers